

پیشبینی های شگفت انگیز شاه نعمت الله ولی

دیوان شاه نعمت الله ولی، پیر طریقت حافظ که در موردش سروده است

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند؟

قدرت کردگار می بینم***حالت روزگار می بینم

از نجوم این سخن نمی گویم***بلکه از کردگار می بینم

از سلاطین گردش دوران***یک به یک را سوار می بینم

از بزرگی و رفعت ایشان***صفوی برقرار می بینم

آخر پادشاهی صفوی***یک حسینی به کار می بینم

نادری در جهان شود پیدا***قامتش استوار می بینم

آخر عهد نوجوانی او***قتل او آشکار می بینم

شهر تبریز را چو کوفه کنند***شهر طهران قرار می بینم

از شهنشاه ناصرالدین شاه***شیونی بیم دار می بینم

در شب شنبه ماه ذیقعدہ***تن او برکنار می بینم

بعد از آن شه مظفرالدین را***تو بدان برقرار می بینم

شه چو بیرون رود ز جایگهش***شاه دیگر به کار می بینم

نوجوانی مثال سرو بلند***رستمش بنده وارمی بینم

چون فریدون به تخت بنشیند***پسرانش قطار می بینم

چون دو ده سال پادشاهی کرد***شههیش را تباه می بینم

بعد از آن شاهی از میان برود***دولتی پایدار می بینم

قصه ای بس غریب می شنوم***غصه ای در دیار می بینم

شور و غوغای دین شود پیدا***سربسر کارزار می بینم

غار و قتل مردم ایران***دست خارج به کار می بینم

کهنه رندی به کار اهریمنی***اندراین روزگار می بینم
رنگ یک چشم او به رنگ کبود***خری بر خر سوار می بینم
لشگراو بود ز اصفاهان***هم یهود و مجار می بینم
متصف بر صفات سلطان است***لیک من گرگ وار می بینم
کاروبار زمانه وارونه***قحط ، هم ننگ و عار می بینم
عدل و انصاف در زمانه او***همچو هیمه به نار می بینم
در زمانش وفا و عهد درست***همچو یخ در بهار می بینم
بس فرومایگان بی حاصل***حامل کاروبار می بینم
مذهب و دین ضعیف می یابم***مبتدع افتخار می بینم
ظلم پنهان ، خیانت و تزویر***بر اعظم شعاری بینم
ظلمت ظلم ظالمان دیار***بیحد و بی شماری بینم
ماه را روسیاه می بینم***مهر را دل فکار می بینم
دولتِ مرد وزن رود به فنا***حال مردم فکار می بینم
اندکی دین اگر بود آن روز***در حد کوهسار می بینم
جنگ و آشوب و فتنه و بیداد***ازیمین و یسار می بینم
مردمان جهان ز دخت و پری***جملگی در فرار می بینم
جنگ سختی شود تمام جهان***کوه و صحرا تباه می بینم
مر مسیح از سما فرود آید***گور دجال زار می بینم
از کمر بند آن سپهر وقار***تیغ چون ذولفقار می بینم
سوی مشرق زمین طلوع کند***قتل دجال زار می بینم
دین و دنیا از او شود معمور***خلق از او بختیار می بینم
هفت باشد وزیر سلطانم***همه را کامکار می بینم
عاصیان از امام معصومم***خجل و شرمسار می بینم
گرگ بامیش ، شیربا آهو***در چرا برقرار می بینم

در آلف و ثلاثین دوفران می بینم***وز مهدی و دجال نشان می بینم - آلف و ثلاثین = سالهای هزار و سیصد هجری

یا مُلک شود خراب یا گردد دین ***سربست نهان و من عیان می بینم

نشانه های نزدیک شدن قیامت

پدید آمدن دود در جهان- ظهور دجال- ظهور دابۀ الارض- خروج یاجوج و ماجوج- صَیحَهِ آسمانی -علایمی در خورشید و ماه- رجعت حضرت مسیح (ع)- ظهور حضرت مهدی (عج) - تغییرات شدید جوی- خشکسالی و قحطی فراگیر (مومن روزی چند بار آرزوی مرگ کند از اینکه می بیند که مردمان بر یکدیگر حمله برند و یکدیگر را می خورند)- جنگ جهانی سوم (به قول امام صادق قبل از ظهور منجی، قدرتهای بزرگ یکدیگر را تقریباً از بین می برند)- هرج و مرج و آشوب- آتشفشانها، طوفانها و زلزله های عظیم- شیوع گسترده بیماریهای مسری و کشنده- جنگ داخلی در ایران - نابودی کامل یا عذاب شدید کلیه شهرهای جهان (قرآن) و زلزله مهیب تهران- تشکیل شبه حکومتی از نیکوکاران در ایران

زمینه سازان ظهور- حدیث نبوی: چون ایشان قیام کنند با پرچم های سیاه از جانب خراسان؛ خود رابه آنان برسانید حتی اگر با گذر از روی برف باشد- هریک از شما باید تیری برای ظهور منجی ذخیره کند- قبل از ظهور از هر هفت نفر از مردم، شش نفر از بین میروند

آن هنگام که پاره ای از نشانه های پروردگار آشکار شود، نفسی را ایمان آوردن سود ندهد. و نه نفسی را که به هنگام ایمان، کارنیکی انجام نداده باشد- قرآن

پیشگوییهای انجیل در مورد ایران

وعده های عذاب: ۱- مایه قوت ایشان را خواهم شکست. ۲- در چهار گوشه عالم پراکنده شان خواهم ساخت. ۳- ایشان را مشوش و مضطرب خواهم ساخت

وعده های نیک: ۱- تخت خود را در ایران قرار خواهم داد. ۲- سروران و حکمرانان شان را هلاک خواهم ساخت. ۳- اسیران شان را باز خواهم آورد

پیشگوییهای زرتشت

جاماسب نامه: پیامبر عرب آخرین پیغمبران باشد. دین او اشرف ادیان باشد و کتاب او باطل گرداند همه ی کتابها را. از فرزندان آن خورشید جهان کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیامبر باشد... و ظهور او در آخر الزمان باشد... و همه جهان را یک دین کند و فقر را ریشه کن کند و همه مردم جهان را هم فکرو هم گفتار وهم کردار نماید

زرتشت نامه: زرتشت از اهورامزدا از سرنوشت ایران در آخر الزمان می پرسد. اهورامزدا ابتدا از یک دوره سیاه و پر مصیبت چیرگی

شیطان و دیو بر ایران یاد می کند و سپس نوید ظهور سوشیانس را می دهد: ... در پایان هزاره فرشته موکل بر زمین گنجهای فراوان

در زیر زمین ایران راهویدامی کند - دیو کین ظاهر می شود- دجال- و تمامی مردم سیاه پوش می شوند. کم آبی و خشکسالی می آید و

ابره‌های بدون باران ظاهر می‌شوند. جشنهای نوروز و مهرگان کنار گذاشته می‌شوند. عده‌ای از مردم ایران آواره می‌گردند. بندگان مال و نعمت فراوان می‌اندوزند. سلطنت به غیر ایرانی رسد و آنان غلامباره باشند و هوسباز. آنگاه مردم ایران در رنج و عذاب خواهند افتاد. چنان رنجی که حتی در زمان افراسیاب و ضحاک نیز دیده نشده و ایران کاملاً ویران می‌شود... آنها از پست‌ترین نژاد هستند آنها به یاری سحر و جادو ده‌های ایران که من آفریدم ویران کنند و همه چیز را بیا لایند و دین و پیمان و شادی و راستی را از بین ببرند و دین من به نیستی رسد. آنان فریفتار هستند و بدترین دین را دارند. زیرا آنچه را که گویند نکنند. مهر پدر را از پسر و برادر را از برادر بگیرند در آن هنگام دار و درخت بکاهد و هنر و نیروی مردان کم باشد و آزر و سپاس از نان و نمک ندارند. مردم از زندگی به تنگ آمده و مرگ خویش را از خدا خواهند و جوانان را هوای بازی و رامش از دل بر نیاید. صدقه ندهند و مردم ایران به سوی باخت‌تبه شوند و به سبکی و آلودگی رسند و ایمان به معاد برود. زرتشت پرسید: دادار، چه هنگام دیوان تباه شوند؟ فرمود: هرگاه نشان سیاهی در خراسان پیدا شود و لشگری از آنسوی آهنگ دیوان کنند و طی سه جنگ در ایران از آنان کشتاری کنند که هیچ دشمنی تا آن روز ندیده باشد و از کشته‌هایشان پشته سازند... سپس سوشیانس بیاید و جشن و سرور با ایرانیان باشد

بود حکمرانی آن دیوکین*** که دین بهی را زند بر زمین

دیگر علایم آخر الزمان به نقل از حضرت رسول

در امت من روزگاری آید که در آن قاتل نمی‌داند که چرا کشته و مقتول نمی‌داند که چرا کشته شده. پرسیدند که چگونه ممکن

است؟ فرمود: به سبب هرج و مرج، سپس فرمود: قاتل و مقتول در آتشند. و سپس: تو اگر توانستی از کشته‌شدگان باش

زکات از مستحقین قطع کنند. مسکرات آشکار سازند. غیبت را خوشی و شوخی دانند. حرام را مباح دانند. نماز را تأخیر بیاندازند. والدین

را دشنام دهند و به مرگ آنان شاد شوند. همسایه را جفا کنند. حیای کوچکان کم شود. برادر به برادر حسد ورزد. وفا کم شود. زنا

فراوان گردد. کبر و منیت چون سم در دلها راه یابد. بیدادگری و جرایم آشکار گردد. مومنین خوار و منافقین عزیز باشند. صورتشان

صورت آدمی و دل‌هایشان دل شیطان است. زندانبانانی خواهند بود که در خشم خدای روز را شب و شب را روز می‌کنند، مبادا از هم‌رازان

آنان باشی. بازارها به یکدیگر منتقل می‌گردد. قرآن‌ها زینت می‌شود. مساجد را مثل معابد یهود و کلیسا زینت دهند. مناره‌ها را بلند

سازند. طلاق فراوان شود. مردان امت من خود را به طلا بیارایند و لباس ابریشم برتن کنند. مردم پست عمارت‌های محکم رفیع البنیان

بسازند. ظروف طلا و نقره استعمال می‌کنند. ربا را به صورت بیع و رشوه رابه اسم هدیه حلال شمرند. بعضی مردم به گورستان رفته

و آرزوی مرگ کنند. از برای دنیا برادران خود را بکشند. مرگ مفاجات زیاد شود. در راه‌ها و شهرها غارت زیاد شود. فتنه و اضطراب

بسیار شود. مردم محارم خود را وطی نمایند. زنان خواننده زیاد شوند. زلزله فراوان گردد. عمرها کم شود. بلاها ظاهر گردد. تار و ساز

آشکار گردد و آنرا مستحسن شمارند. عابدان ریاکارند. و تاجران رباخوار و زنان ایشان زناکار. توانگران حج را برای تفریح و تجارت بجای

آورند. بیشتر علما شیرین‌ترین خلق خدا هستند در زمین. فقهای گمراه کننده زیاد شوند. قرآن را به غنا خوانند. خونریزی زیاد

شود. لجاجت در میان مردم آشکار گردد. فقر بسیار شود. سال به سال بدعت و شر و فسق و فجور از سال پیش زیادتر گردد. در آن هنگام زیرزمین از روی آن بهتراست. باران ها در غیر موسم بیارد. جماعتی از پیروان شیطان ادعای امامت کنند و مردم را گمراه و از دین منحرف سازند و ای برآنانی که به دست خود کتاب می نویسند و از آن دکانی برای خود باز می کنند. از اینان با عنوان پلیدان در ملکوت آسمانها یاد می شود (چون کار به دست ناهل افتد چشم به راه قیامت باش — پیش روی قیامت کذابینی خواهند بود، از آنان حذر کنید). کفار بر همه اهل اسلام مسلط شوند. دو گروه از عجم در هم ریزند به خونریزی. و آن روز است که یکی از اولاد من به سلطنت برسد و اسلام را ظاهر کند و زمین را که پراز ظلم و جور شده از عدل و داد پر کند. چهار دیوار کاخ ظالمت درهم شکند و پرده از روی دلها بردارد. داد مظلوم از ظالم بگیرد. و به خانه کعبه تکیه کند و بگوید: اِنِّی بَقِیَّةٌ اِ... وَ حَجَّتْهِ وَ خَلِیْفَةُ عَلِیْکُمْ اَوْ (خدا) کسی است که پیامبر خود را برای هدایت مردم فرستاد با دینی راستین و برحق تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند — قرآن مسیح ع نیز خواهد آمد تا صلیب را بشکند و دینی واحد را اعلام فرماید

هرآینه او از نشانه های نزدیک شدن قیامت است — قرآن

عیسی ع را نکشتند و مصلوب نکردند بلکه این امر برآنان مشتبه شد... یقیناً اورانکشتند بلکه خدا او را به سوی خود فرابرد — قرآن جهان در انتظار عدالت

و عدالت در انتظار قائم آل محمد

در روایات یهود، مسیحیت و اسلام با رمز و اشاره از کافری کذاب یاد شده که در سلسله مراتب مخلوقات دارای پست ترین درجه و نهاد بوده و در آخر الزمان، چهل سال قبل از ظهور منجی و رجعت مسیح، در ماوراءالنهر ظهور کند، به نام دین مردمان را بفریبد، پادشاه از میان ببرد، با خداوند خصومت ورزد. ابتدا دعوی امامت کند و سپس دعوی الوهیت. ماوراءالنهر را از ظلم و ستم و کفر پر کند و به وجود نحس او آتش یک جنگ عالم گیر شعله ور گردد. حضرت رسول فرمود: از زمان آدم تا به قیامت هیچ فتنه ای سخت تر و بزرگتر از فتنه دجال نباشد (أَخْطَرُ الْفِتَنِ) و همه پیامبران امت خود را از فتنه دجال بیم دادند. و در امت من خروج کند

ظهور دجال اولین علامت از علایم کبرای قیامت است که علایم بعدی به فاصله کمی پس از آن ظاهر شوند

معنی لغوی دجال: سرگین (نجاست) — أَوْ مِنَ الدَّجَالِ لِلْسَّرْجِیْنِ لِأَنَّهُ یَنْجَسُ وَجْهَ الْأَرْضِ (دجال سطح زمین را به نجاست وجودش می آلاید) — مظهر دروغ و نفاق — کسی که قلب و زبانش یکی نیست — راهزن دین — رأس الکفر — فریب دهنده و گمراه کننده جمع

کتیری از مردم — کسی که به سحر و دروغ، حق را با باطل می پوشاند و باطل را نیک جلوه می دهد

چکیده ای از احادیث در باب دجال

دروغ راست و راست دروغ به شمار آید و خیانتکار، امین و امین خیانتکار محسوب می شود

دجال ظهور می کند در حین غفلت مردم از دین الهی و بازگشت آنان به جاهلیتی آلوده تر و ظالمانه تر از جاهلیت قبل از اسلام از آیات مقارن ظهور او ، ظهور ستاره دنباله دار است

دجال سحر و جادو هایی ظاهر می کند که بدان مردم را مفتون کرده و از دین و توحیدشان منحرف می کند. این کارهای خارق العاده حقیقی نیست بلکه تخیلاتی است که به سحر به نظر مردم می آورد و خدا می آزماید بدان بندگان را. بسیاری را بدان گمراه ساخته و بسیاری را بدان هدایت می فرماید. و آن را حجتی بر کافرین و منافقین قرار می دهد. خداوند با او شیاطینی برانگیزد که برای او کارهای شگفت انگیزی می کنند و با مردم سخن می گویند و همراه اوست فتنه ای عظیم، تا خدا بدان حق را آشکار سازد و بر باطل خط بطلان کشد. سپس او را فضیحت فرماید و عجز او را به خلق بنماید. دجال در راس قرن ظهور می کند و از سوی مشرق می آید. به قولی دیگر، شیاطینی که محبوس سلیمان نبی ع بودند، برای او کارهای شگفت می کنند دست هایی ضخیم دارد. یک دستش از دیگری درازتر است. سر بزرگی چون شاخه درخت دارد متن زیر از چاپ قدیم کتاب منتهی الآمال است در بیان نشانه های آخرالزمان

اول- خروج دجال است - و آن ملعون ادعای الوهیت کند و به وجود نحس او خونریزی و فتنه در عالم واقع خواهد شد. بسیار بزرگ و تنومند و شکل عجیب و هیئت غریب دارد. در سحر و جادو بسیار ماهر است. فریاد می کند: اولیایی ، انا ربکم الاعلی و شیاطین و پیروان ایشان از ظالمین و منافقین و سحره و کهنه و کفره و اولاد الزنا بر سر او اجتماع نمایند و در انظار ضعفا العقول از زنان و مردان چنان به جلوه در آورند و همه خلق از پی ایشان می روند ، گویا که خلق همه در سکر و مستی می باشند! دعای پیامبر: «خدا یا ، من از شرّ آتش جهنم و از شرّ فتنه مسیح دجال به تو پناه می برم» و سرانجام میان سپاه او و لشگر قائم جنگ در گیرد حضرت امیر در نهج البلاغه می فرماید: ... دجال خارج می شود از قریه ای از توابع «اصبهان» از بلاد فارس و بر پیشانی او نوشته شده «کافر» شقی آن کس است که او را تصدیق نماید و سعید او را دروغگو بداند. نمی رسد به آبی مگر اینکه آن آب خشک می شود تا روز قیامت.

قول امام صادق: هتک ستور کند. از سوی قزوین وارد شود ، هر که در برابرش بایستد او را بکشد ، هر که متابعت او کند کافر شود. هر که از او کناره گیرد فقیر شود. بشتابند مردم به اطاعت او از کافر و مومن. نام او نام پیامبری از پیامبران است چشم راستش کور و چشم چپش در میان پیشانی است، و به رنگ قرمز یا کبود می باشد، بر خری سوار است و هر گام خرش ۲۰ میل است

از هر موی خرش طبعی آویزان است پشگل خرش به صورت نقل و نبات و خرما است و مردم چون آن را بردارند و بخورند متوجه می شوند که پشگل است

از سحر های او این است که جوانان را می کشد و سپس از وسط دو نیم کرده و بین دو نیمه قدم می زند-در سینه اش جای می گیرد-سپس او را به کفرو بندگی خود زنده می کند

و نیز شیاطین به صورت بستگان از دنیا رفته بعضی از مومنین در خواب آنان ظاهر شده و آنان را به متابعت دجال می خوانند و بر حقانیتش گواهی می دهند

دجال فحشاء، لواط و مسکرات و موسیقی را رواج می دهد. حضرت محمد ص فرمود: بر او و تصویر او نظر میافکنید، و اگر نظر افکنید بر روی او آب دهان افکنید و سوره حمد برخوانید به جهت دفع سحر آن ملعون که در شما اثر نکند.-دجال نمی تواند به مکه و مدینه در آید-دجال با خود بهشت و دوزخی دارد. بهشتش دوزخ و دوزخش بهشت است-دوزخی که برای مظلومین ساخته است

در ثلث اول فتنه چهل ساله اش، ثلث باران آسمان و گیاه زمین بکاهد. و در ثلث دوم فتنه او دو ثلث باران و گیاه زمین بکاهد و در ثلث سوم کل آن

خوف از او و شر او و سرعت مرور او در زمین به ضعف اجازه تامل در حقیقت حال او و خوارش را نمی دهد. اتباع او به تدریج همه چون او کافر شوند

سه مرحله دعوی دجال

ابتدا از کوفه مردم را دعوت به دین و صلاح می کند

سپس ادعای امامت و نبوت کند در این مرحله خردمندان از او مفارقت می کنند

سپس ادعای الوهیت کند که در این حال کاملاً کور و کر شده و نقش کفر بر پیشانی اش حک می گردد-در این مرحله از او مفارقت می کند هر کس که در قلبش کوچکترین ذره ای از ایمان باشد

اهل سنت و شیعیان عقیده دارند به خروج دجال قبل از قیامت کبری و به سبب کثرت احادیث نبوی در باب انذار خلق در مورد او، بعضی از بزرگان دین پناه خواستن از شر او را در تشهد آخر نماز واجب دانسته اند

چرا دجال موعود را مسیح دجال نامیده اند مسیح یعنی نجات دهنده و مسیح دجال یعنی نجات دهنده دروغین. او با شعار نجات بخشی، خلق را فریفت و آنان را هلاک ساخت. اما نجات دهنده قوم خود بود که جنایتکاران پرستنده اش را از سوراخ مارهای اکناف

ممالک بیرون کشد و به آنها پست و مقام دهد و چنان تخریبی بیار آورد که در عقلها و چشمها ننگند.

در مورد سحر و جادو لطفاً رجوع کنید به آیه ۱۰۲ سوره بقره و سوره جن: رجالی از انس(انسان) که به رجالی از جن پناه می

بردند، و آنان جز بر طغیانشان نمی افزودند

سحر: تصرف در دلها و دیدگان مردم به کمک شیاطین برای وادار کردن آنان به ارضای مطامع نفسانی ساحر. قانون اصلی آن این است که ساحرمی باید درمبادرت به انجام زشت ترین و ظالمانه ترین اعمال درنگ نکند

که چهارمین تن از نوآب اربعه در پایان دوره غیبت صغری اعلام کرد که حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) می فرمایند که پس از من نایی ندارند تا خود ظهور کنند و هر کس پس از من خود را نایب ایشان خواند ، بدانید که دروغگوست...

حضرت محمد ص : حدّ (جزا) ساحر یک ضربه شمشیر است

حضرت محمد ص : پیش از هفت چیز بشتابید به سوی کارهای نیک : فقری نسیان آور ، غنای طغیان آور ، بیماری تباه کننده ، پیری خرفت آور ، مرگ زودرس ، یا دجال هستید - به درستی که او بدترین غایب مورد انتظار است - یا قیامت که بلا خیزتر و تلخ تر است - ... و به قول حضرت علی : هرآن که دین را وسیله کسب دنیا کند ، جزایش نزد خدا آتش است

در منابع مسیحیت از دجال با عنوان پسر شیطان، ساحر مجنون و سومین ضد مسیح و مخوف ترین بلا برای نوع بشر یاد شده است... در آن هنگام که آن خدا ناشناس که برای سلطنت انتظار زیادی کشیده است، مقدسین را به نام می خواند...

اشعار مرموز از نسخه خطی کشکول شیخ بهایی در وصف دجال

شیخ نادان برد ز نادانی***ظن که این شد کمال انسانی

ابلهی چند گرد او کردند***تابع ذکر و ورد او کردند

بر خالایق مقدّمش دارند***هر چه گوید مسلّمش دارند

مقتدای زمانه خواجه فقیه***با درون خبیث و نفس سفیه

حفظ کرده ست چند مسأله ای***در پی افکنده از خران گله ای

سینه پر کینه، دل پر از وسواس***کرده ضایع به گفتگو انفاس

عمر خود کرده درخلاف و مرا***صرف حیض و نفاس و بیع و شرا

با چنین کار و بار کرده قیاس***خویشتن را که هست اکمل ناس

حد ایشان به مذهب عامه***حیوانیست مستوی القامه

پهن ناخن ، برهنه پوست ز موی***بد و پاره سپر به خانه و کوی

هر که را بنگرند کین سان است***ببرندش گمان که انسان است

از مردم کسانی هستند که گویند: به خدا و روز قیامت ایمان داریم. اینان می خواهند خدا و مومنین را فریب دهند، و جز خود را نمی

فریبند ولی نمی فهمند. در دلهایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزوده است و از برای آنان است عذابی دردآور به سبب کذب

شان. و چون به آنان گفته شود که در زمین فساد نکنید، گویند: به درستی که ما مصلحانیم. آگاه باش که ایشان خود مفسدین هستند و نمی فهمند-سوره بقره

زمین ابتدای قرن بیستم (قرن شیطان نام دارد) شایستگی دریافت نفخه ای از شیطان را پیدا می کند: در ماه هفتم درب جهنم باز شود و سومین ضد مسیح یا پسر شیطان برای شعله ور کردن آتش جنگ سوم جهانی، در آسیا زاده می گردد. او با خود ده آفت قوم فرعون را بر زمین آورد. رهبری زورمند که سیره سلاطین مغول را زنده می کند. و با قبای آبی به اروپا وارد می شود. طول سلطه او ۲۷ سال و هفت ماه است. او و شیاطینش مجال می یابند که بدون محدودیت در زمین جولان دهند. او بزرگترین مایه وحشت بشریت است

آیامی خواهید کسی را که خدا گمراه کرده است هدایت کنید؟ و تو راهی پیش پای کسی که خدا گمراهش کرده است نتوانی نهاد جز به اذن خدا هیچ کس رانرسد که ایمان آورد. او پلیدی را بر کسانی که خرد خویش بکار نمی بندند مقرر می کند و همچنین برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم و آنان برای فریب یکدیگر سخنان آراسته القامی کنند-قرآن

دجال

دَجَال یا خَرْدَجَال در فرجام شناسی اسلامی نام موجودی است که زمانی پیش از رستاخیز ظاهر می شود. همتای دجال در مسیحیت موجودی است به نام ضد مسیح (Antichrist).

خر دجال موجودی تخیلی است که در کتابهای دینی مسلمانان شیعه از آن نام برده شده است. در توصیفات آن آمده است که موجودی بسیار بزرگ می باشد و با هر قدم از یک سوی زمین به سوی دیگر می رود این موجود را به چیزهای فراوانی تشبیه کرده اند.

ظهور این موجود یکی از علامتهای ظهور مهدی - امام دوازدهم و غایب مسلمانان شیعه - است. این اتفاقات و علامتها شباهت بسیاری به بخش مکاشفات یوحنا در کتاب مقدس مسیحیان دارد.

ویژگیهای دجال

درباره دجال در روایات اسلامی توصیفات شده که بازگویی این توصیفات به امام علی، نخستین پیشوای شیعه نسبت داده می شود: از جمله اینکه «دجال در دریاها فرو می رود و خورشید همراهش حرکت می کند. در مقابلش کوهی دودآلود است و در پشت سرش کوهی سفید که مردم آن را غذا می پندارند. او مثل همه آدمها غذا می خورد و راه می رود. او در زمان قحطی شدید خروج می کند. بر الاغ سفیدی سوار است که هر گامش یک میل است، زمین زیر پایش از آبشخور تا آبشخور پیچیده می شود و از هیچ آبی نمی گذرد مگر این که تا قیامت فرو می رود.»

«دجال چنان فریاد می‌زند که شرق و غرب جهان از جن و انس و شیاطین صدای او را می‌شنوند. او چنین فریاد می‌زند: «دوستان من، به سوی من بیایید! من کسی هستم که آفریدم، هر چیزی را در جای مناسب خود قرار دادم و هدایت نمودم. من پروردگار بزرگ شما هستم. دجال سه ساعت پس از سپیده‌دم روز جمعه، در شام «سوریه» در عقبه‌ای که به عقبه «افیق» معروف است، به دست کسی که حضرت عیسی پشت سرش نماز می‌گذارد، کشته می‌شود.»

گفته شده که امام باقر محل خروج دجال را در مشرق سیستان دانسته است. برخی مسلمانان بر این باورند که دجال در اصفهان ظهور می‌کند و یهودیان را با خود همراه می‌گرداند.

منابع

بحارالانوار ۵۲ / ۱۹۰ حدیث ۱۹، ۵۲ / ۱۹۴ حدیث ۱۹۴، ۵۱ / ۷۰ حدیث ۱۱، ۲۷۸ / حدیث ۱۷۳، ۵۲ / ۱۹۲، ۱۹۴ / ۵۲ و ۵۲ /

۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴ حدیث ۲۵ - المحاسن